

هو الله - ترانی یا إلهی قد استغرقت فی بحار الحیرة...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (75) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 285

هو الله

ترانی یا إلهی قد استغرقت فی بحار الحیرة وخضت فی غمار الذهول ولم أدر کیف اذ کرک بنعوت تلیق فی عتبتک العلیاء و تنبغی لسدة ملکک الذی لا یفنی لانی اری عجزی و فقری و ذلی و مسکتی فاین الغبراء من عنان السماء و این حضیض الأدنی من الأوج الأعلى این البغات من النسر الطائر فی الأوج الاسمی و مع ذلک یحب قلبی ان أقوم بثنائک بین خلقتک و ادعوک بلسانی بین بریتک و قد کل لسانی عن الکلام و انکسر جناحی عن الطیران و ذهل عقلی عن الادراک و صغر جدی عن العرفان و اذ کرک مع اعترافی بخطائی عند ثنائک و قصوری و فتوری عند تقدیم المحامد و النعوت لساحة قدسک رب رب لا توءاخذنی بزلتی و امح حوبتی و اکشف کربتی و آسنی فی وحشتی و رافقتی فی غربتی و اجعلنی منجذبا بذکر أجبائک و متسعرا بلظی نار محبة أصفیائک و منشرح الصدر بالثناء علی أودائک و قیر العین بمشاهدة وجوه ارقائک و أنت تعلم یا الهی بانهم شغفونی حبا و أحبونی قلبا و شدد لهم بقدرتک ازرا و قوی بقوتک لهم ظهرا و أرسلت الیهم نسائم قدسک و عطرت مشامهم برائحة ریاض أنسک رب جفر فی قلوبهم ینابیع المعانی و اکشف علی عقولهم اسرار کلماتک فی السبع المثانی و دلهم علی من یدل علیک فی المشهد الرحمانی رب أنر أبصارهم بنور العرفان و نور ضمائهم بالفیض و الاحسان و انطقهم بالحجة و البرهان و الهمهم کلمة الفضل و اللطاف و اجعلهم هداة بریتک و ثقة حدیثک و حماة حماک انک أنت الکریم الرحیم العزیز الوهاب و انک أنت القوی المقدر المختار لا إله الا أنت الرحیم الرؤف المنان

ای یاران الهی و یاوران عبدالبهاء چه نگارم و چه گویم آنچه در دل و جانست بتعبیر و تحریر نیاید و آنچه عبارات آید احساسات جان و وجدانرا بیان نماید لهذا گویم که ای یاران حقیقی آینه دل را مقابل نمائید البته اسرار این قلوب در آن دلها جلوه نماید و آثار این مشتاق در آن آفاق واضح و آشکار گردد جهان ظلمانیست و فیض الهی نورانی این ظلمات را باید نورانی نمود و این جهان تنگ و تار را باید وسیع و پر انوار کرد هیکل عالم جسم مرده است باید زنده نمود پشمرده است باید تر و تازه کرد افسرده است باید افروخته نمود مرکز بغضاست باید مطلع حب و ولا کرد مصدر بیگانگی است باید محور بیگانگی نمود معرض خذلان ابدیست باید مطلع انوار عزت سرمدی کرد بیگانگان را آشنائی نمود و غافلانرا هشیاری داد دشمنانرا محبت کرد و مبغضانرا مودت نمود شعله افروخته شد و نار الله الموقده گشت جهانرا بحرکت آورد و آفاقرا



ORIGINAL

روشن نمود تا همت یاران چه نماید و جانفشانی دوستان چه کند عبدالبهاء فریاد بر آرد و ناله و فغان نماید و از قصور خویش سر در پیش است و از فتور مکدر و محزون شما دعا نمائید و تضرع و زاری کنید که بخدمت آستان موفق گردید و بعبودیت در گاه احدیت مؤید شوید من در شام و بام عجز و نیاز نمایم و تضرع و ابتهاج کنم و طلب تأیید نمایم تا رب جلیل یاران را دلیل سبیل ملکوت فرماید ان ربی لعلی کل شیء قدیر (ع)